

کتاب مقدس برای کودکان
تقدیم می کند



روت:
داستان عشق



نویسنده: Edward Hughes

طراحی تصاویر: Janie Forest

بازگویی از: Lyn Doerksen

Alastair P.

مترجم: Shahrzad

ناشر: Bible for Children

www.M1914.org

BFC

PO Box 3

Winnipeg, MB R3C 2G1

Canada

©2020 Bible for Children, Inc.

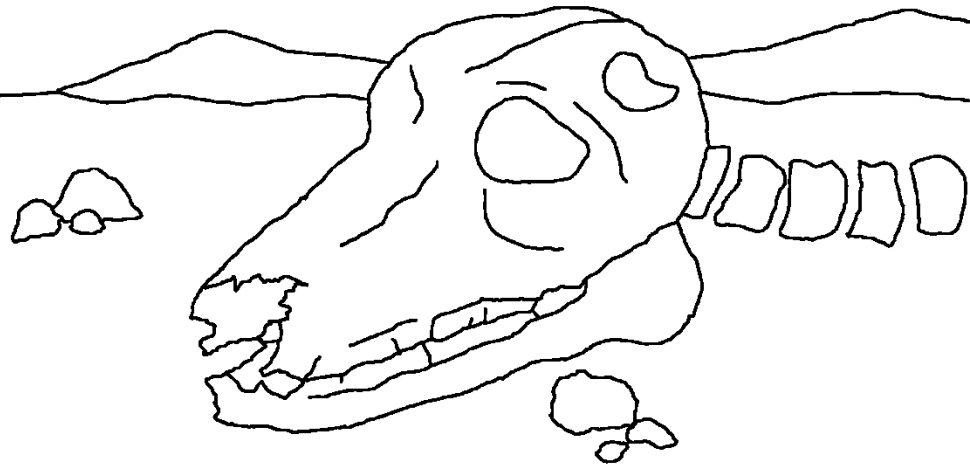
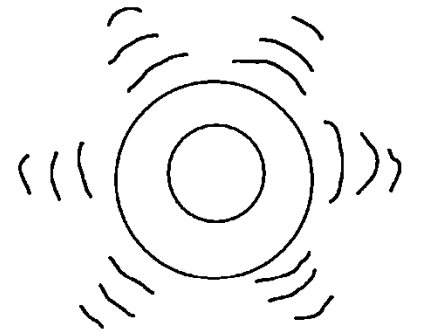
حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستان‌ها را کپی و چاپ نمایید به شرط آن که رایگان توزیع شود.



اگر شما می‌توانستید والدین مادر و پدر بزرگتان و یانیاکان خود در ملاقات کنید، شاید از شخصیت آنها متعجب می‌شدید و اینکه بدانید آنها چه کسانی بودند. در کتاب مقدس می‌بینیم که یکی از یانیاکان عیسی مسیح شخصی بنام "روت" بود، زنی از قبیله موآب که بتهارا پرستش می‌کرد.



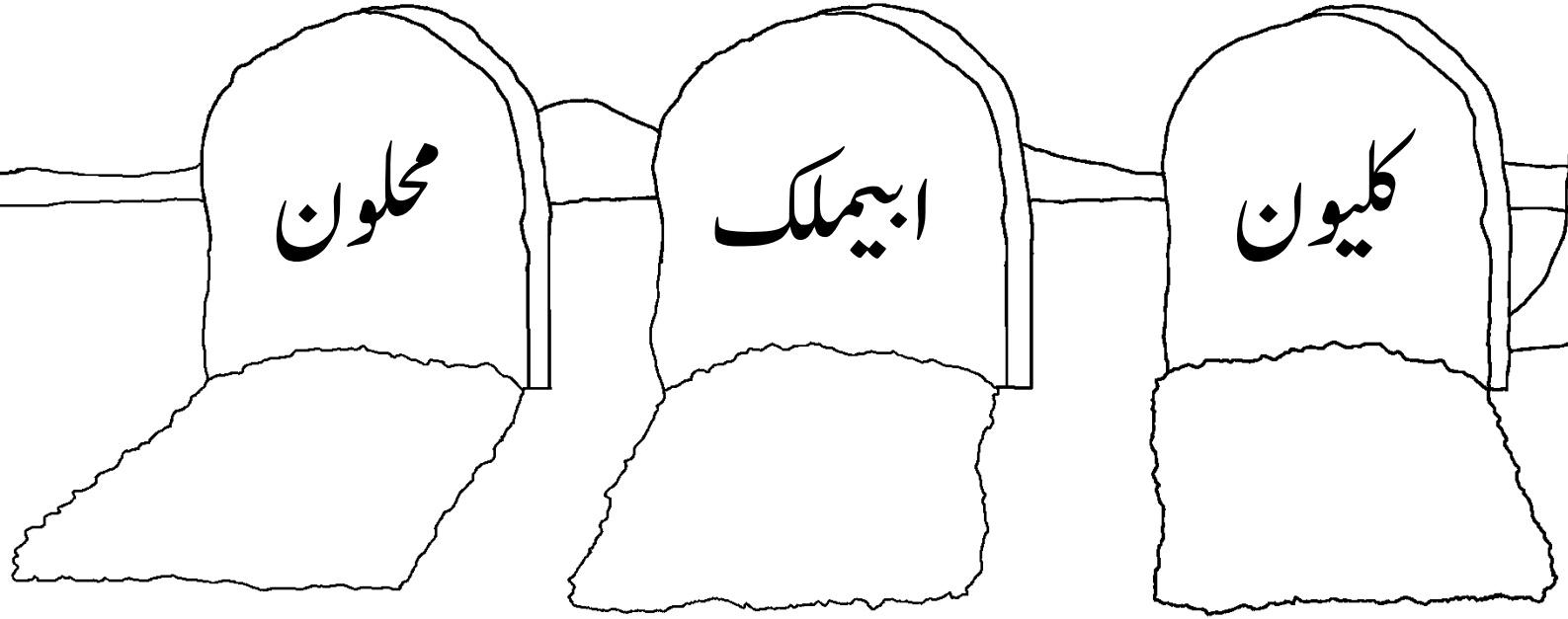
داستان "روت" در اسرائیل بعد از زمان سامیون آغاز میشود، وقتی که قوم
خداوند از اطاعت و اعتمادیه او دست می کشند. قحطی سرزمین را فرا می گیرد. می دانید
قحطی چیست؟ درسته! قحطی و خشکسالی زمانی است که هیچ محصولی یا میوه ای عمل نیاید و
حیوانات و حتی انسانها از گرسنگی می میرند.



مردی بنام "الیملک" در آن زمان بیت اللحم را با همسرش و دو پسرش ترک کرد تا به جایی برود که غذا باشد. آنجا به موآب رفتند، جایی که بتها را می پرستیدند.



ایام زندگی با ابیملک
و خانواده اش خوب
پیش نمی رفت.



ابیملک همراه باد و پسرش از دنیا رفتند. همسرش، نعومی، باد و عروسش،
روت و عرفه، تنهاماندند. روت و عرفه، هر دو از شهر موآب بودند.



نعومی، که یک زن بیوه بود، شنید که خداوند قومش را ملاقات کرده و برای آنها غذا فراهم کرده است. پس تصمیم گرفت که به شهرش و زادگاهش باز گردد.
اما دو عروسش چه خواهند کرد؟ نعومی به آنها گفت که آنها در موآب بمانند و دوباره ازدواج کنند.



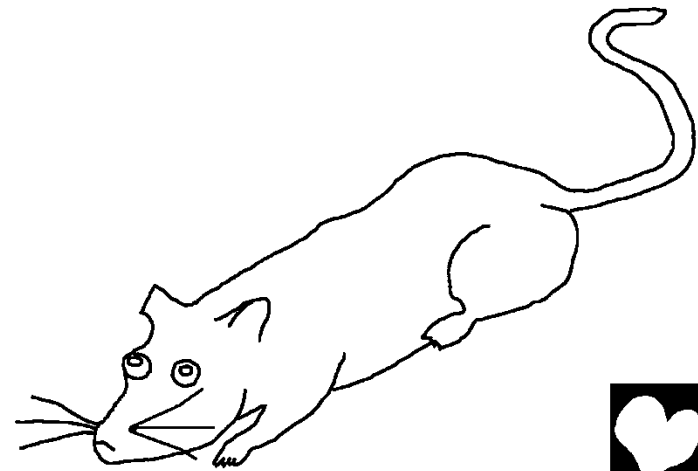
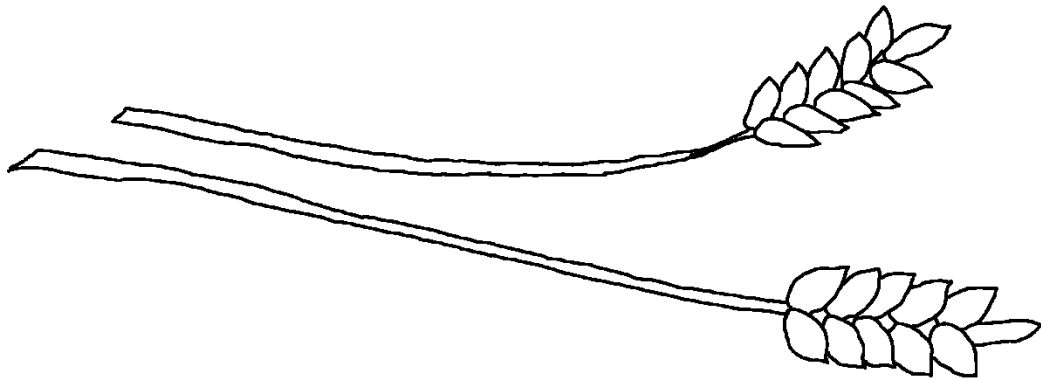
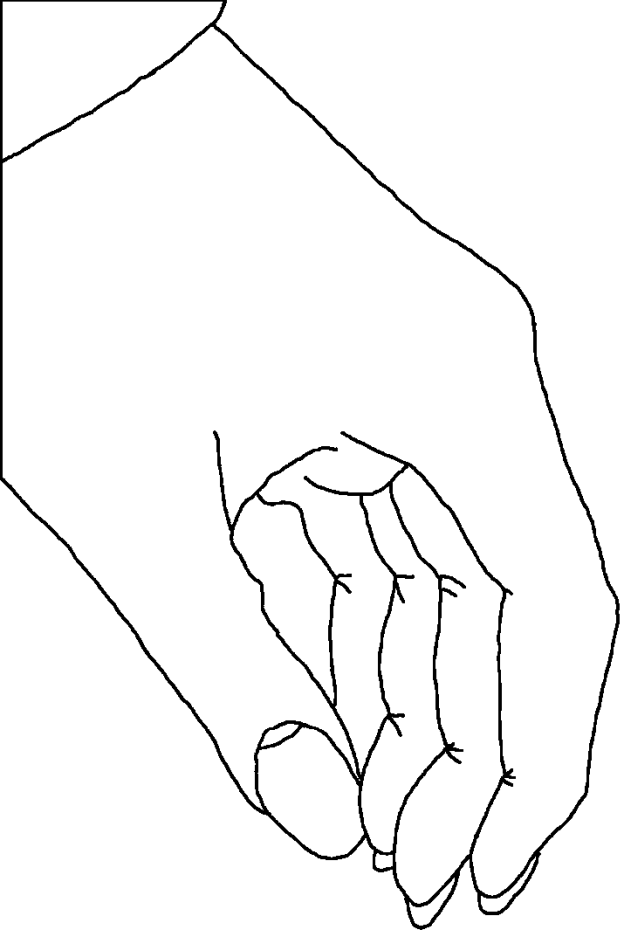
عرفه به نزدفا میلش بازگشت. اماروت از بازگشتن به نزدفا میلش امتناع کرد. در عوض، یک شعر زیبایی برای مادر شوهرش گفت که نشان می داد او هرگز نعومی را ترک نخواهد کرد.

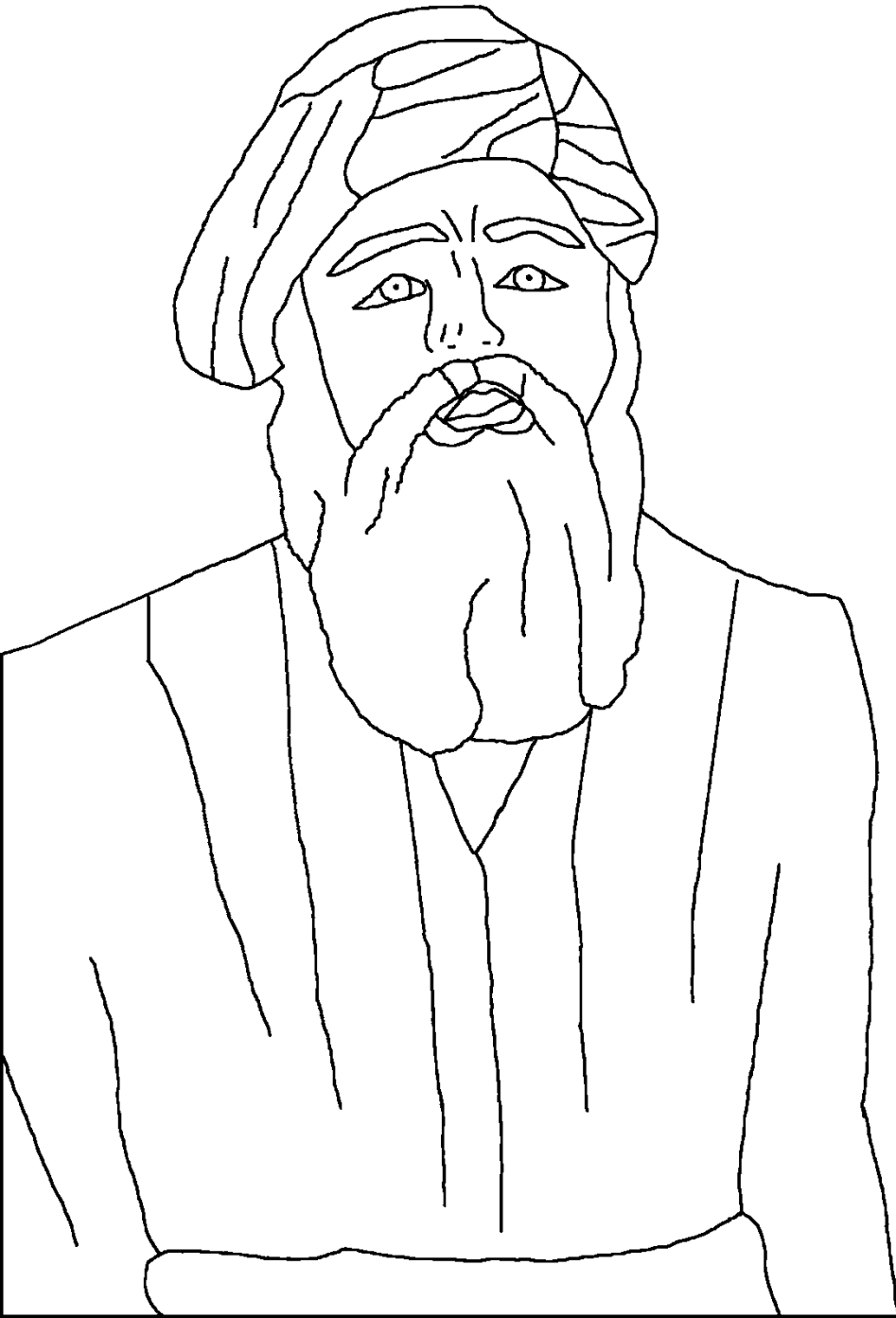


دوستان قدیمی نعومی از اینکه او به زادگاهش بیت لحم بازگشته خوشحال شدند. اما نعومی از آنها خواست که او را "میره" (یعنی تلخ) بجای نعومی (یعنی خوشحال) صدا کنند.
برای اینکه خداوند قادر مطلق زندگی مرا تلخ کرده
است. نعومی دست خالی بازگشت.



اگرچه که روت مانند مردم دیگر در شهر
موآب بتهارا پرستش می کرد، اما او تصمیم
گرفت که مانند مردم اسرائیل خداوند
زنده را پرستش کند. او سخت کار میکرد تا
برای نعومی غذای کافی فراهم کند. هر
روز در مزرعه کار میکرد تا بتواند از پس مانده
های گندم برای نعومی ببرد.





بو عز، صاحب مزرعه، شنید کہ روت
چقدر نسبت به مادر شوهرش مهربان و
خوب بوده است. وقتی بو عز روت را
ملاقات کرد، اورا با مقدار زیادی
محصول گندم به خانه بازمی گرداند و
به او کمک می کرد. و کم کم بو عز از
روت خوشش آمد.



وقتی روت به نعومی در مورد بو عز
و مهربانی او گفت، نعومی خداوند را
ستایش کرد و گفت: این مرد از
فامیل ماست، او یکی از
خویشاوندان نزدیک ماست.





همانطور که زمان می گذشت، بو عزمی خواست باروت
از دواج کند، و از نعومی و زمین خانوادگی او مراقبت کند. ولی یکی
دیگر از خویشاوندان نعومی که به آنها نزدیکتر بود در اولویت
بود. این مرد، زمینی که متعلق به نعومی بود می خواست ولی نمی
خواست که باروت از دواج کند. قانون بر این بنا بود که او
نمی توانست زمین را قبول کند اگر باروت از دواج نکند.



در آن زمانها، برای قبول یک معامله باید گیر دست نمی دادند. بوعزدمیپانی اش را در آورده و در مقابل مردم آنرا به مرد دیگر که از خویشاوندان نعومی بود داد. و معامله انجام شد. روت به همسری بوعزدر آمد. اکنون روت و نعومی به فامیلی بوعزدر آمدند.



روت و بو عز صاحب پسر می شدند و
نام او را عبود گذاشتند. او پدر بزرگ
داود بود، پادشاه کبیر اسرائیل.



ولی عجیب تر از همه، عو بد کوچک از نیاکان عیسی مسیح پادشاه بود.



روت: داستان عشق

داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس

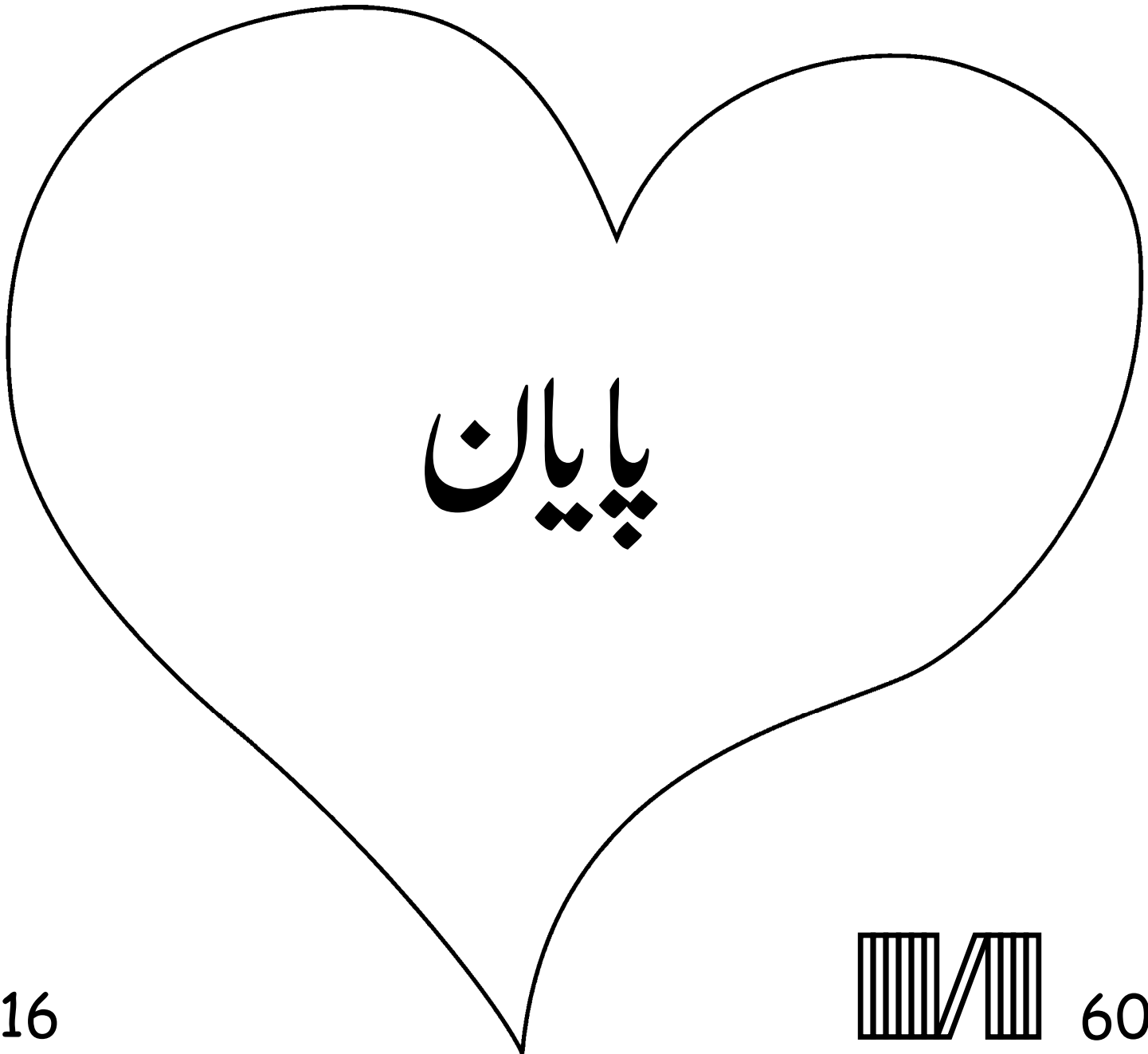
بر اساس

روت

"کشف کلام تو نور می بخشد."

مزمور ۱۱۹: ۱۳۰





16



60



داستانهای کتاب مقدس با مادر باره‌خدا بی صحبت می‌کنند که ما را
آفرید و اراده‌ او این است که شما نیز او را بشناسید.

خدای داند که ما کارهای بدی انجام داده ایم کارهایی که او آنهارا گناه می‌خواند. م
جازات گناه مرگ است، اما خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسریگان خود را فرستاد تا بر
روی صلیب به خاطر بخشش گناهان ما بمیرد. عیسی مسیح پس از مرگ دوباره زنده شد و به
آسمان بالا رفت. اگر توبه عیسی ایمان بیاوری و از او بخواهی که گناهان تو را بپامزد،
او تو را خواهد بخشید و وارد قلب تو خواهد شد و تو برای همیشه با او زندگی خواهی کرد.

اگر به این حقیقت ایمان داری، از صمیم قلب این دعا را بکن: عیسای عزیز من ایمان دارم
که تو خدا هستی، و به صورت انسان به زمین آمدی تا برای گناهان من بمیری، و اکنون زنده هستی.
خواهش می‌کنم که وارد زندگی من بشوی و گناهان مرا ببخشی تا بتوانم زندگی تازه‌ای داشته باشم و برای
همیشه با تو زندگی کنم. کمک کن تا به عنوان فرزند تو بتوانم تو را اطاعت کنم و برای تو زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس راهر روز بخوان و همیشه دعا کن! انجیل یوحنا ۳: ۱۶

